



کلمات کلیدی ماشینی : گوساله، جنگ نرم، سامری، نماد جنگ نرم در قرآن، قرآن، موسی، گوساله ایزار
جنگ نرم سامری، نماد،

گوساله زرین سامری

مقدمه

تهدید نرم، امروزه از مؤثرترین و کارآمدترین و کم هزینه ترین و در عین حال خطرناک ترین و پیچیده ترین نوع تهدید بر ضد امنیت ملی یک کشور است که با کمترین هزینه و بدون لشکرکشی و از بین بردن مقاومت های فیزیکی، عواطف و احساسات، فکر و اندیشه، باور و ارزش ها و آرمان ها و فرهنگ یک ملت و نظام سیاسی را مورد هجوم قرار می دهد.

ابعاد جنگ نرم، گسترده و مخرب است؛ زیرا فکر و آرمان و الگوهای رفتاری یک ملت را تحت تأثیر و هدف قرار می دهد.[۱]

مقام معظم رهبری (حفظه الله) می فرماید:

در جنگ نرم دشمن به سراغ ایمان ها، معرفت ها، عزم ها و بایدها و ارکان اساسی یک نظام و کشور می آید که اینها را منهدم نماید و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف تبدیل نماید.[۲]

پس هدف از به راه انداختن جنگ نرم، رسوخ در باورها و اعتقادهای جامعه و جایگزین نمودن فرهنگ و باورهای مورد نظر خویش است.

از ویژگی های جنگ نرم آن است که جذابیت دارد و چون به تدریج و آرام عمل می کند معمولاً کنش و واکنش عمومی را به همراه ندارد و به علت اینکه محصول پردازش ذهنی نخبگان است، اندازه گیری آن مشکل است.[۳]

آیا می توان در قرآن و سیره امامان معصوم علیهم السلام نمونه هایی قابل تطبیق بر این شیوه نوین جنگ که از ابداع آن بیشتر از دو دهه نمی گذرد پیدا نمود؟[۴]

به عبارت دیگر: آیا در قرآن جنگ نرم و یا نمادهایی از آن وجود دارد یا خیر؟

نوشتاری که فرا روی شماست، می کوشد تا نمادهای جنگ نرم را با تأکید بر آیات قرآنی مورد بررسی قرار دهد و نشان دهد که این جنگ در قرآن به دو صورت مطرح گردیده است:

۱. جنگ نرم دشمنان بر ضد انبیا.



چگونگی جنگ نرم در قرآن

یکی از اهداف انبیای الهی زایل نمودن افکار و عقاید شرک و کفرآلود از اذهان مردم و جایگزین نمودن افکار و عقاید توحیدی و یکتاپرستی بوده است و دشمنان سعی دارند ایمان ها و معرفت ها را با روش نرم از ذهن و جان مردم به ویژه جوانان کم رنگ کرده، عقاید و افکار خود را جایگزین آن کنند.

انبیای الهی برای رسیدن به هدف تبلیغی خود از قدرت و ابزار نرم استفاده کرده اند و هیچ پیامبری برای پیشبرد اهدافش تا زمانی که از فعالیت فرهنگی و تأثیر آن نا امید نمی شده دست به جنگ سخت نزد

اساس دعوت انبیا بر اسلوب و روش های نرم و استفاده از روش های اقناعی استوار است.

خداوند متعال پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را به استفاده از این روش توصیه کرده است:

ادع الی سبیل ربک بالحکمۃ و الموعظۃ الحسنۃ و جادلهم بالتی هی احسن. (نحل: ۱۲۵)

مردم را با حکمت و اندرز نیکو به پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان مجادله کن.

خصوصیت بارز پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برخورد نرم همراه با ملاطفت است؛ امری که از سوی خداوند متعال به حضرتش سفارش شده است. [۵] همین خصلت آن حضرت، جاذبه ای ایجاد کرد که پیام دین گیرایی خاصی داشته، در ایمان آوردن بسیاری از اعراب مؤثر بوده است.

به کارگیری روش های نرم در تبلیغ دین، مهم ترین عامل پیشرفت پیامبران در دعوتشان بوده است و با اندک تأملی در معجزات انبیا می توان پی برد که تمامی آنها از این شیوه بهره برده اند. [۶] در مقابل، دشمنان دین نیز از مقوله جنگ نرم غافل نبوده اند و تلاش کردند تا به شیوه های نوین جنگ نرم اعم از تبلیغات، جنگ روانی، فتنه گری و با استفاده از ابزارهای مناسب به تفکرات و عقاید متدینین حمله ور شوند.

یکی از نمادهای جنگ نرم که دشمنان بر ضد انبیا مورد استفاده قرار داده اند، ذیل عنوان نمادین گوساله سامری مطرح می شود.

نقش گوساله سامری در تحریف حقائق

یکی از نمادهای جنگ نرم که در قرآن به آن اشاره شده است، گوساله سامری است که در چند سوره قرآن کریم در داستان حضرت موسی علیه السلام بیان شده است.

دشمنان موسی علیه السلام دیدند که نمی توانند دیگر با برخوردهای سخت جلوی دعوت و پیشرفت آیین حضرت موسی علیه السلام را بگیرند؛ از این رو، در صدد برآمدند برای مقابله با این دعوت از روشی استفاده کنند که از سنخ دعوت انبیا است تا به تدریج در یک روند چند ساله، استحاله فرهنگی و زایل نمودن اعتقادهای دینی و جایگزین کردن اعتقادات ناصحیح و غیر الهی صورت پذیرد.

در میان قوم موسی علیه السلام فردی به نام سامری دست به اقدامی زد که به راحتی توانست اعتقادات و باورهای راستین دینی را زایل کند و به جای آن، افکار و عقاید شرک آلود رو کفر آلود را جایگزین کند.

برای دانستن این مسئله لازم است ابتدا تمامی قصه سامری از کتب قصص قرآن ارائه شود، سپس تطبیق

لازم با نمادها و ابزارهای جنگ نرم صورت پذیرد.

داستان سامری و گوساله [۷] از اینجا آغاز می شود که بعد از اینکه موسی علیه السلام موفق شد فرعون را شکست بدهد و نظامی بر اساس اندیشه دینی و الهی تشکیل دهد که در آن از بت و بت پرستی  بری نباشد و مردمان خدای یکتا و یگانه را بپرستند تا بدین وسیله به سعادت و کمال برسند، وقت آن رسید که موسی کتابی جامع و کامل (در بردارنده قوانین مدنی و اجتماعی جامعه) برای اداره جامعه داشته باشد؛ از این رو، از طرف خداوند خوانده می شود که به مدت سی شبانه روز که بعد از آن به چهل شبانه روز تمدید گردید [۸] به طور سینا برود. حضرت موسی علیه السلام رهبری و هدایت جامعه خویش را به برادرش هارون سپرد تا در این چند روز، هدایت و رهبری مردم را به عهده داشته باشد [۹].

هارون علیه السلام با کمال میل پذیرفت و موسی هم با خیال راحت به طرف طور سینا رفت تا آیات الهی و کتاب جامع را از طرف خداوند تبارک و تعالی اخذ کند.

بعد از اینکه چهل شبانه روز میقات موسی علیه السلام تمام شد و آماده گردید که به شهر خود برگردد، خداوند تبارک و تعالی به موسی علیه السلام خبر داد که: انا فتننا قومک من بعدک فاضلهم السامری (طه: ۸۵)؛ در نبود تو قومت را امتحان کردیم و سامری قوم و قبیله تو را گمراه کرد.

سامری از نبود حضرت موسی علیه السلام و دیر آمدن آن حضرت کمال استفاده را کرد و به مردم گفت باید شما برای خویش خدایی انتخاب کنید؛ زیرا موسی باز نمی گردد؛ موسی رفته خدای شما را بیابد ولی راه را گم کرده و آمدنش دیر شده و به وعده خود وفا نکرده است. آنگاه سامری از تمایل ریشه دار بنی اسرائیل مبنی بر بت پرستی استفاده کرد و طلاهای مردم را جمع نمود. سپس گودالی کند و طلاها را در آن ریخت و آتش افروخت. از آن طلاهای آب شده گوساله ای ساخت که صدایی از آن خارج می گردید. این گوساله زرین، سبب امتحان بنی اسرائیل شد.

بنی اسرائیل به این گوساله آزمایش شدند و او را پرستش کردند. بدین جهت هارون علیه السلام با ناراحتی و اندوه بسیار به آنان گفت:

ای قوم، شما بوسیله گوساله آزمایش شدید در حالیکه پروردگار شما خدای رحمان است. از من پیروی کنید و امر مرا اطاعت نمایید. بنی اسرائیل در جواب گفتند: ما به عبادت گوساله می پردازیم تا موسی بازگردد. (طه: ۹۱)

در نهایت حضرت هارون موفق به هدایت آنها نگردید. آنگاه که میقات حضرت موسی علیه السلام به پایان رسید و به سوی قوم خود بازگشت از دور جمعیت بنی اسرائیل را دید و صدای هیاهو و فریاد آنها را شنید. حقیقت مطلب را درک کرد و از وضع آنان آگاه گردید؛ زیرا گوساله پرستان در اطراف گوساله به رقص و پایکوبی مشغول بودند.

به دنبال این هیاهو در موسی علیه السلام آثار خشم و عصبانیت ظاهر شد (طه: ۸۶) و الواحی که در دست داشت بر زمین افکند و به سوی هارون شتافت و سر برادر را گرفت و او را به سوی خود کشاند و گفت: چرا وقتی دیدی (مردم) گمراه شدند راه مرا در میان آنان تعقیب نکردی؟ (چرا منفورین را بیرون نکردی؟) و با اخلاص گران نبرد نکردی؟ (تا بتوانی این آتشی که ظلم و کفران را شعله ور می سازد خاموش سازی؟)

هارون گفت: ای فرزند سام! ترسیدم اگر با آنان نبرد کنم بگویی بین بنی اسرائیل دو دستگی و تفرقه ایجاد کردی و گفته ی مرا رعایت نکردی. (طه: ۹۴)

بعد از اینکه آثار خشم و عصبانی حضرت فرو نشست، به وضع بنی اسرائیل پرداخت و کارشان را با تدبیر و رای صحیح حل نمود.

در مرحله اول، حضرت موسی متوجه سر منشاء فتنه شد. به سامری گفت: این فتنه چه بود که  کردی؟ (طه: ۹۵)

سامری پاسخ داد: من چیزی دیدم که آنان (مردم) ندیدند کف خالی از پای فرستاده خدا برداشتم و آن را در قالب گوساله انداختم و نفسم این کار را در نظرم جلوه داد.

بعد متوجه قوم خویش گردید و گفت:

مگر خدای شما به شما وعده شایسته نداد؟ آیا این مدت به نظر شما طولانی آمد؟ یا خواستید غضب خدای متوجه شما گردد که به عهد خود وفا نکردید. (طه: ۸۶)

بنی اسرائیل به حضرت گفتند:

ما با اختیار خود با تو بی وفایی نکردیم بلکه قسمتی از طلاهای زینتی بر گردن خود داشتیم که آنها را در آتش افکندیم و سامری چنین راهنمایی کرد. (طه: ۸۷) (سامری آن طلاها را به صورت گوساله ای در آورد که دارای صدایی بود و بدین وسیله ما را از راه راست منحرف ساخت که بعد موسی دستوراتی برای توبه بنی اسرائیل داد).

اما در مورد سامری دستور داد: با او رفت و آمد نکنید و به او نزدیک نشوید؛ از این رو، مردم از وی دوری می کردند و در روز قیامت هم وعده گاهی دارد که نمی تواند از آن فرار کند. در روزی که با گناهان خویش با آتش کشانده شود.

اما گوساله را، دستور داد سوزانده شود و خاکستر آن را به دریا افکنند بدین طریق موسی این فتنه را چاره کرد. (طه: ۹۷)

نکات قابل استفاده این داستان عبارت اند از:

۱. در جنگ نرم سطح تهدید ابتدا متوجه نخبگان جامعه است و بعد از آن به عموم افراد جامعه سرایت می کند.

۲. لازمه سرایت تهدید از نخبگان به عموم مردم دانستن زمینه های لازم تهدید در مردم است و این، زمینه کار سامری را تسهیل نمود. اضافه اینکه تهدید نرم محصول پردازش ذهنی نخبگان است و بخاطر همین سامری به موسی علیه السلام گفت: و کذلک سولت لی نفسی. (طه: ۹۶)

۳. ابزاری که سامری در این جنگ استفاده نمود ابزاری جدید و نو به حسب آن زمان بوده به اضافه اینکه دارای جذابیت هم بوده است که صدا از داخل گوساله مصنوعی بیرون می آمد و این در بنی اسرائیل بی سابقه بود.

۴. در جنگ نرم دشمن کاری انجام می دهد که طرف مقابل چیزی را که دشمن می خواهد انجام دهد و حرفی را که دشمن می خواهد بزند. در اینجا هم سامری از مردم خواست طلاجات خود را بیاورند (طه: ۸۷) و آنان انجام دادند و در مقابل هارون ایستادند و گفتن سر از عبادت گوساله بر نمی داریم تا اینکه موسی به سوی ما برگردد. (طه: ۹۱)

۵. تمام کار سامری این بود که ایده پرستش خدای یگانه را از ذهن و اذهان مردم بیرون آورد و مردم را به پرستش گوساله وادارد، چون که در آخر هم به بنی اسرائیل گفت:

هذا الهکم و اله موسی؛ شما دنبال عبادت می گشتید و این معبود شما و معبود موسی است. این تغییر را در ایده و عقیده و باورهای دینی همان سیر اصلی جنگ نرم است یعنی سست کردن افکار و عقاید راستین و جایگزین کردن افکار و عقاید دل خواه طرف مهاجم آن وقت با تغییر در باورها و اعتقادات تغییر در حاکمیت سیاسی هم امکان پذیر است.

اقدامات هارون و موسی علیه السلام

الف) هارون

مسئول مبارزه با این انحراف در بنی اسرائیل ابتدا حضرت هارون است چرا که او جانشین موسی علیه السلام بود و مسئولیت هدایت و رهبری جامعه در غیاب حضرت موسی به عهده او بود. به همین علت هم موسی علیه السلام وقتی برگشت اول به سراغ برادرش رفت که چرا ایستادی و نظاره گر انحراف بنی اسرائیل شدی؟ (طه: ۹۲)

حضرت هارون طبق آنچه که از آیات قرآن بر می آید در مقابله با این انحراف کوتاهی نکرد بلکه این فتنه چون جذابیت قابل توجهی داشت و تأثیر بر افکار و عقاید بنی اسرائیل گذاشت لذا مقابله با آن خیلی سخت بود و به همین سبب هارون به موسی علیه السلام فرمود: ان القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی؛ که بنی اسرائیل مرا خوار کردند و نزدیک بود که مرا بکشند. (اعراف: ۱۵۰)

مطلب دیگری که هارون به موسی علیه السلام می فرماید: ترس از اختلاف و دودستگی در بنی اسرائیل است. لذا این ترس او را در مبارزه سخت گیرانه با گوساله پرستان نگه داشت و این مطلب به خوبی از آیات فهمیده می شود.

ب) موسی علیه السلام

طبق خبری که خداوند متعال قبل از اتمام ۴۰ روز به موسی علیه السلام داده بود موسی از انحراف بنی اسرائیل با خبر گشت و به طور طبیعی از آن زمان به بعد باید فکری در مورد چگونگی مبارزه با این فتنه را در ذهن خویش پرورانده باشد تا دوباره مردم را به توحید و یکتاپرستی برگرداند.

– وقتی که موسی علیه السلام به سوی قوم خویش برگشت و انحراف بنی اسرائیل را از نزدیک مشاهده کرد و دید که مردم به دور گوساله در حال رقص و پایکوبی هستند میزان ضلالت و گمراهی آنان را فهمید به همین سبب بسیار ناراحت شد و الواح را که (حاصل وحی الهی بود) انداخت و یکسره با عصبانیت شدید متوجه برادرش هارون گشت که مسئولیت هدایت و رهبری مردم را به عهده داشت. (اعراف: ۱۵۰)

و این نیست جز اینکه رهبران جامعه در مقابل فتنه های جدید مسئولیت سنگینی دارند و باید در مقابله با آن و شناساندن آن به مردم تلاش لازم را بنمایند. افزون بر اینکه به هارون فرمود: باید با سران فتنه با قاطعیت برخورد می کردی و آنان را از مردم و مردم را از آنان دور می کردی تا مقدمات ضلالت مردم فراهم نگردد.

– بعد از اینکه آثار خشم و عصبانیت (بخاطر انحراف بنی اسرائیل علیه السلام) در موسی فرونشست در

فکر مبارزه با این پدیده جدید و نوظهور برآمد تا به شکل نرم و آرام دوباره توحید و یکتاپرستی را زنده نماید لذا اقدامات ذیل را برای این منظور انجام داد:

الف) برخورد با منشاء و ایجادکننده فتنه (سامری): موسی علیه السلام دستور داد سامری را بازداشت نموده و نزدش آوردند. معلوم است وقتی سران فتنه دستگیر شوند کسانی که معمولاً دور فتنه جمع شدند پراکنده خواهند شد و میزان دلبستگی و همکاری آنان کم خواهد شد به اضافه اینکه برخورد با سران فتنه امکان قلع و قمع فتنه را سریع تر فراهم خواهد کرد.

موسی علیه السلام در اولین اقدام او را دستگیر نموده و سامری نزد حضرت موسی علیه السلام نبوغ خود را به رخ آن حضرت کشید. (طه: ۹۶)

ولی موسی علیه السلام دستور داد سامری ممنوع الملاقات گردد و مردم را از ارتباط با او برحذر داشت تا مبدا دسیسه ای دیگر ترتیب دهد لذا ارتباط با منشاء فتنه قطع گردید. [۱۰]

ب) بعد از سامری متوجه بنی اسرائیل شد و به آنان گفت: آیا وعده های الهی را تو خالی فرض نمودید و آیا هنوز به آنچه من گفته ام ایمان نیاوردید؟ چرا به عهد و پیمانی که با من بسته بودید وفا نکردید؟ (طه: ۸۶)

عذر بهانه بنی اسرائیل بعد از این عتاب حضرت موسی شنیدنی است!

آنان گفتند: سامری وسیله جدیدی ساخت که در بنی اسرائیل سابقه نداشت و آن گوساله مصنوعی که صدای گوساله طبیعی را در می آورد و این جذابیت و نو بودن وسیله گمراهی مقدمات و ضلالت بنی اسرائیل فراهم آورد. (طه: ۸۷)

در حقیقت گوساله ابزار نرم سامری جهت انحراف قوم بنی اسرائیل بود که تمام ویژگی نرم بودن را داراست؛ هم نو و نو ظهور بود و هم جذابیت کامل داشت که ابزارهای جنگ نرم دشمنان امروزی هم دقیقاً چنین هستند که دارای جذابیت کامل و مطابق با امیال و هوای نفسانی انسان ها است. کافی است در این زمینه نگاهی به سایت ها، روزنامه ها، فیلم ها، نمایشنامه ها و مطبوعات شود تا نو بودن آنها ثابت شود و برای جذابیت هم کافی است که از تمامی مسایل اخلاقی و غیر اخلاقی و جنسی و اقتصادی و فرهنگی استفاده می نمایند.

ج) اما گوساله را: حضرت دستور داد در جلوی چشمان بنی اسرائیل سوزانده شود تا بنی اسرائیل بدانند این خدای پوشالی از خود قدرت دفاع ندارد و مبدا کسی از خاکستر آن استفاده نماید دستور داد خاکسترش را هم به دریا بریزند تا کسی به فکر جمع آوری خاکسترش هم نباشد. (طه: ۹۷)

شاید بعدها که بنی اسرائیل مأمور به کشتن گوساله شدند به خاطر این بوده و خداوند می خواست این حس (تقدس گوساله) از میان بنی اسرائیل کاملاً ریشه کن شود به اضافه اینکه گوساله مورد نظر باید زرد طلایی دقیقاً مطابق با گوساله ابداعی سامری بود. (بقره: ۶۷ - ۶۹)

نتیجه

سامری با ابزار نرم جهت انحراف و گمراهی بنی اسرائیل اقدام کرد و چون کنترل منابع قدرت نرم معمولاً دشوار است و قابل اندازه گیری نیست و محصول پردازش ذهنی نخبگان جامعه است در مدت کوتاهی توانست افکار راستین توحید و یکتاپرستی را از اذهان بنی اسرائیل بیرون آورده و به جای آن شرک و بت

پرستی را جایگزین نماید.

از ویژگی های کار سامری جذابیت گوساله است که باعث اقناع در مردم گردید و بسوی آن گرایش پیدا کردند.

معلوم است گوساله ابزار جنگ نرم سامری است منتهی خصوصیت آن این است که از متد و روش و تاکتیک دینی جهت گرایش مردم به گوساله بهره جست و آن اقناع حس پرستش مردم بوده است.

هدف او جایگزین کردن شرک و بت پرستی جای توحید و یگانه پرستی بود که موفق شد.

حوزه تهدید هم فرهنگی است و هیچ جنبه سخت افزاری نداشته است و در این حوزه توانست به سرعت تأثیرگذار باشد.

و در نهایت اگر موسی علیه السلام از میقات برنمی گشت: تهدید در حوزه فرهنگی سرایت به حوزه سیاسی و امنیتی می کرد و ساختار سیاسی بعد از مدتی از دست هارون بیرون می آمد و در نهایت سامری رهبری حکومت سیاسی را به عهده می گرفت.

[۱]. قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، اصغر افتخاری و همکاران، تهران، دانشگاه امام صادق، ش ۱۳۸۸، ص ۱۱۸.

[۲]. دیدار با نمایندگان خبرگان رهبری، ۲ / ۷ / ۸۸.

[۳]. جنگ نرم، داود رنجبران، ساحل اندیشه، تهران، ۱۳۸۸، ص ۳۰ - ۳۵.

[۴]. در سال ۱۹۹۰ فردی به نام جوزف نای یکی از مدیران سازمان سیا این واژه را ابداع نمود، قدرت و سرمایه اجتماعی، ص ۱۱۸.

[۵]. فیما رحمۃ من الله لنت لهم و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك اعراف: ۱۵۹ به سبب رحمت خداست که تو با آنها چنین خوشخوی و مهربان هستی. اگر تندخو و سخت دل بودی از گرد تو پراکنده میشدند.

[۶]. مثل عصای موسی علیهاالسلام، شفای عیسی علیهاالسلام و قرآن کریم معجزه پیامبر اعظم.

[۷]. ر.ک. به: قصه های قرآن، ترجمه: مصطفی زمانی، انتشارات فاطمه زهرا علیهاالسلام، تابستان ۷۶، ص



[۸]. و واعدنا موسی ثلاثین لیلةً و اتممناها بعشر فتم میقات ربّه اربعین لیلةً. اعراف: ۱۴۲

[۹]. و قال موسی لایخیه هارن اخلفنی فی قومی و اصلح و لاتتبع سبیل المفسدین. اعراف: ۱۴۲

[۱۰]. قصه‌های قرآن، ترجمه: مصطفی زمانی، ص ۲۱۹.

عنوان بعد (/fa/Magazine/View/۵۴۱۵/۷۵۰۴/۹۳۷۱۹/) شهید-مدرس-در-آئینه-تاریخ)

عنوان قبل (/fa/Magazine/View/۵۴۱۵/۷۵۰۴/۹۳۷۱۷/) همت-و-کار-در-سیره-فرماندهان-
شهید(۲))